

فرزندپروری پس از طلاق: یک پژوهش کیفی

رضا خجسته مهر^۱، مسعود فلاحي خشکناپ^۲، سارا حجاری^۳، منصور سودانی^۴

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: فرزندپروری یکی از تکالیف حساس پیش روی والدین و از عوامل مؤثر در سلامت روانی فرزندان به شمار می‌رود. یکی از موارد تأثیرگذار بر فرایند فرزندپروری، طلاق است. هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تجارب والدین از فرزندپروری پس از طلاق بود.

مواد و روش‌ها: این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. جامعه هدف شامل زنان و مردانی بود که تجربه فرزندپروری پس از طلاق را داشتند. مشارکت کنندگان پژوهش، ۱۳ نفر (زن و مرد) بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع، از میان مراجعه کنندگان به مراکز مشاوره دعوت به مشارکت شدند و به وسیله مصاحبه عمیق و اکتشافی مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها با روش هفت مرحله‌ای Colaizzi تجزیه و تحلیل گردید.

یافته‌ها: تحلیل تجارب مشارکت کنندگان منجر به شناسایی ۱۰ مضمون اصلی شامل «رابطه والدین، نیازهای فردی والد، شبکه حمایتی والد پس از طلاق، نگرش، هیجانات و چالش‌های والد، پاسخگویی و نظارت والد، پختگی والد- فرزند و آسیب روانی والد- فرزند در فرایند فرزندپروری» گردید.

نتیجه‌گیری: والدین، فرزندپروری پس از طلاق را تکلیف چالش برانگیزی توصیف می‌کنند. چگونگی ارتباط والدین، نیازهای فردی و منابع حمایتی آن‌ها پس از طلاق، می‌تواند نگرش و هیجانات والدین نسبت به فرزندپروری را تحت تأثیر قرار دهد. آسیب روانی، رشد و پختگی، از تجارب والدین در جریان فرزندپروری پس از طلاق می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: فرزندپروری، طلاق، پژوهش کیفی

ارجاع: خجسته مهر رضا، فلاحي خشکناپ مسعود، حجاری سارا، سودانی منصور. **فرزندپروری پس از طلاق: پژوهش کیفی.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۶؛ ۱۵ (۲): ۲۳۹-۲۴۵

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۴/۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۱۱

مقدمه

فرزندپروری تکلیف حساسی پیش روی والدین است که می‌تواند به صورت گسترده، بهزیستی فرزندان را تحت تأثیر قرار دهد. سبک فرزندپروری، مجموعه‌ای از بازخوردهای والدین در ارتباط با فرزندان (۱) و همچنین، الگوهای مشخصی است که بر اساس اعمال معیارهای والدین نسبت به رفتار کودک شکل می‌گیرد و دارای دو بعد مطالبه‌گری (Demandingness) و پاسخگو بودن (Responsiveness) والدین می‌باشد (۲). متخصصان در فرایند فرزندپروری بر شش بعد شامل «پذیرش، اقتدار، ساختارمندی، حمایت، تحمیل و تهدید» تأکید می‌کنند (۳).

فرزندپروری تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. صمیمیت زندگی زناشویی (۴)، نگرش والدین به والدگری (۵، ۶) و هیجانات منفی و مثبتی که والدین در فرایند فرزندپروری و تحت تأثیر اسناددهی خود تجربه می‌کنند (۷)، بر فرزندپروری تأثیر می‌گذارد. طلاق والدین نیز از عواملی است که به صورت گسترده فرزندپروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طلاق والدین بر نگرش فرزندان نسبت به زندگی زوجی آن‌ها در آینده (۸) و چگونگی ادراک ساختار خانواده و

تعامل والدین با فرزندان (۹) اثرگذار است. نوجوانانی که خانواده خود را پس از طلاق والدین همچنان سالم توصیف می‌کنند، در مقایسه با گروه همتایی که آن را ناسالم می‌دانند، انتظارات خوش‌بینانه‌تری نسبت به ازدواج دارند (۱۰). پیامد طلاق بر فرزندپروری پیچیده است. برخی پژوهشگران به تأثیر متناقض طلاق بر رشد اخلاقی با در نظر داشتن عامل سن، اشاره کرده‌اند (۱۱)؛ در حالی که سایر مطالعات، مشکلات اقتصادی و رفتاری، انزوای اجتماعی، ضعف عملکرد تحصیلی و اختلال در سازگاری فرزندان، آسیب روانی و تنش ارتباطی والد- فرزند را به عنوان پیامدهای منفی طلاق بیان نمودند (۱۹-۱۲). بر این اساس، برخی تحقیقات بر لزوم و اهمیت شکل‌گیری مداخلات روان‌شناختی برای خانواده‌های طلاق پرداخته‌اند (۲۰). دیدگاه‌های خوش‌بینانه‌تری نیز در زمینه پیامدهای طلاق بر فرزندان و تاب‌آوری والدین، در صورت وجود شرایط خاص ارایه شده است (۲۱). ملاقات منظم با والدی که حضانت به عهده او نیست و روابط خوب والدین پس از طلاق، بر ارتقای سلامت روان فرزندان مؤثر می‌باشد (۲۲). یادگیری از اشتباهات ارتباطی والدین و تصحیح آن در روابط رمانتیک آینده توسط فرزندان، از پیامدهای مطلوب طلاق گزارش شده است (۲۳).

۱- استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲- دانشیار، گروه پرستاری، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۴- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

Email: khojasteh_r@scu.ac.ir

نویسنده مسؤول: رضا خجسته مهر

مشارکت والدین در سرپرستی فرزندان پس از طلاق، یکی از پیچیده‌ترین مسایل پیش روی سیاست‌گذاران و دادگاه‌های خانواده است؛ امری که می‌تواند کیفیت فرزندپروری و سلامت روان فرزندان را تحت تأثیر قرار دهد. دسترسی هیجانی (Emotional availability) و فیزیکی فرزند به والد و کیفیت و کمیت حضور والد به خصوص پدر در شبکه حمایتی فرزند، از جمله مواردی است که پس از طلاق تحت تأثیر قرار می‌گیرد (۲۴). پژوهشگران بر اهمیت مشارکت والدین با یکدیگر و مشارکت در روند ملاقات فرزندان پس از طلاق تأکید کرده‌اند (۲۵-۲۷). ارتباط پرتنش والدین، تأثیری منفی بر فرزندپروری و میزان حضور فیزیکی و هیجانی والد در دوران نوجوانی دارد (۲۸). برخی پژوهشگران نیز بر اهمیت سبک فرزندپروری مقتدرانه پدران پس از طلاق اشاره کرده‌اند (۲۹).

کدام سبک فرزندپروری برای مدیریت کودکان پس از طلاق روش کارآمدتری است؟ و کدام روش مدیریت فرزندان پس از طلاق، کمترین پیامد منفی را به دنبال دارد؟ پاسخ به این پرسش‌ها همواره برای متخصصان خانواده و والدین چالش برانگیز بوده است.

فرزندپروری و طلاق، محور پژوهش‌های بسیاری در داخل و خارج از کشور بوده است. طلاق پژوهی در ایران اغلب بر علت‌پژوهی و پیامدپژوهی متمرکز می‌باشد و مطالعات اندکی به بررسی فرزندپروری پس از طلاق پرداخته‌اند. چالش‌های روان‌شناختی، اجتماعی، قانونی و اقتصادی افراد پس از طلاق امری دانسته و تأیید شده است (۳۰) که بر لزوم شناخت چالش‌های اختصاصی والدین و نگرش آن‌ها به فرزندپروری پس از طلاق، به عنوان پدیده‌ای که پژوهشگران کمتر به آن پرداخته‌اند، تأکید می‌کند. با توجه به تأکید مطالعات پیشین بر فرزندپروری و طلاق به عنوان عوامل تأثیرگذار بر بهداشت روان فرزندان، استفاده از یک روش تحقیق ژرف‌نگر به منظور شناخت تجارب والدین ایرانی از فرزندپروری پس از طلاق، ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین، تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی پدیدارشناسی، به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که «تجارب والدین ایرانی از فرزندپروری پس از طلاق چیست؟».

مواد و روش‌ها

در این پژوهش از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده گردید. مشارکت کنندگان از فروردین تا اسفند سال ۱۳۹۵ به روش نمونه‌گیری هدفمند (Purposeful sampling) با حداکثر تنوع انتخاب شدند. معیارهای ورود نمونه‌ها به پژوهش شامل «تمایل آن‌ها به شرکت در مطالعه، در اختیار گذاشتن تجارب خویش، داشتن سواد شناختی لازم برای در اختیار گذاشتن تجارب خویش و داشتن تجربه طلاق و فرزندپروری پس از آن» بود. با توجه به معیارهای ورود، از میان افراد مراجعه کننده به مراکز مشاوره که واجد شرایط مذکور و علاقمند به مشارکت در پژوهش بودند، دعوت به مصاحبه شد. با توجه به روش نمونه‌گیری و برای توصیف بهتر و قابل اعتمادتر پدیده مورد بررسی، از نمونه‌های ناهمگون و متنوع استفاده گردید. بنابراین، سعی شد افرادی انتخاب شوند که در مورد پدیده اصلی دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند و همچنین، از نظر جنسیت، میزان سواد، وضعیت اقتصادی و شرایط حضانت متفاوت باشند. بر اساس اصل اشباع در نمونه‌گیری کیفی، تا زمانی که داده جدیدی به دست می‌آمد، نمونه‌گیری ادامه یافت. زمانی که داده‌ها به مرحله تکرار رسید، روند نمونه‌گیری متوقف گردید. مشارکت کنندگان

پژوهش حاضر، ۱۳ نفر (زن و مرد) بودند.

داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق و بدون ساختار جمع‌آوری گردید. از پرسش‌های باز پاسخ همچون «روز خود را با فرزند خود چگونه می‌گذرانید؟ بعد از طلاق اوضاع چطور پیش می‌رود؟ و طلاق چه تأثیری بر رابطه شما با بچه‌ها گذاشته است؟» در روند انجام مصاحبه استفاده شد.

داده‌ها طبق رویکرد پدیدارشناسی توصیفی، با استفاده از روش Colaizzi تجزیه و تحلیل شد. مطالعه دست‌نوشته مصاحبه به منظور کشف معنای اصلی آن، ثبت اظهارات و عبارات مهم در کنار هر مصاحبه، فرموله کردن عبارات معنایی، فرموله کردن واحدهای معنایی به منظور دستیابی به طبقات و زیرمضمون‌ها و مضامین، یکپارچه کردن یافته‌ها به منظور توصیف پدیده مورد بررسی و دستیابی به یک ساختار کلی از پدیده مورد مطالعه و در نهایت، اعتباریابی یافته‌ها با برگشت به سوی مشارکت کنندگان، هفت مرحله‌ای است که Colaizzi در تحلیل یافته‌های یک پژوهش پدیدارشناسی لازم و ضروری می‌داند (۳۱). پس از ضبط هر مصاحبه، پیاده‌سازی نوشتاری، مصاحبه و دریافت معنای اصلی مورد نظر مشارکت کننده و نکات مبهم هر مصاحبه مشخص گردید. به منظور روشن‌سازی نکات مبهم، مصاحبه تکمیلی صورت گرفت. در مرحله دوم، عبارات مهم در راستای هدف اصلی پژوهش استخراج گردید. در مرحله سوم، عبارات به صورت واحدهای معنایی فرمول‌بندی شد. این مراحل برای هر یک از مصاحبه‌ها دنبال گردید. پس از رسیدن به اشباع، نمونه‌گیری متوقف شد. در مرحله چهارم، واحدهای معنایی مشابه در مصاحبه‌ها دسته‌بندی شد. در مرحله پنجم، بر اساس مشابهت دسته‌بندی‌های حاصل شده، زیرمضمون‌ها شکل گرفت و توصیفات مبهم و غیر مرتبط با موضوع مورد بررسی حذف گردید. در مرحله ششم، مضامین اصلی بر مبنای ادغام مضامین فرعی که همچنان شباهت معنایی داشتند، آشکار شد. در مرحله هفتم نیز اعتباریابی صورت گرفت.

جهت اعتباریابی، از روش اعتباریابی Colaizzi استفاده شد. چهار معیار باورپذیری (Credibility)، انتقال‌پذیری (Transformability)، اطمینان‌پذیری (Dependability)، تأییدپذیری (Confirmability) و اعتبار نهایی (Final validity) (۳۲) به منظور افزایش قابلیت اعتماد و اعتبار پژوهش دنبال شد. پژوهشگر به منظور رعایت اصل باورپذیری، به مطالعه کتب و مقالات متعدد در زمینه روش کیفی پرداخت. دو کارگاه تخصصی روش کیفی گذرانده شد. مصاحبه‌های مقدماتی به منظور افزایش مهارت مصاحبه‌گری انجام گرفت. به منظور افزایش تأییدپذیری، تمامی مراحل کدگذاری و جزییات ثبت گردید. جهت رعایت اصل اطمینان‌پذیری، پیرو تحلیل هر مصاحبه، از مشارکت کننده در مورد صحت معنای دریافت شده از مصاحبه پرس و جو گردید. در انتها نتایج به دست آمده به مشارکت کنندگان ارایه شد و نظرات آنان در مورد صحت معانی استخراج شده مورد بررسی قرار گرفت. مشارکت کنندگان نتایج استخراج شده را با گفته‌های خود منطبق برآورد کردند. در تمامی مراحل کدگذاری از ناظر خارجی متخصص کمک گرفته شد.

به منظور رعایت اصل اخلاق در پژوهش، مصاحبه‌ها با توجه به رضایت کتبی مشارکت کننده ضبط و زمان مصاحبه نیز با هماهنگی آن‌ها تنظیم شد. طول زمان مصاحبه، به تمایل مشارکت کننده برای ادامه گفتگو بستگی داشت. مشارکت کنندگان می‌توانستند در هر زمان که مایل بودند به همکاری خود در روند پژوهش خاتمه دهند. همچنین، اصل محرمانه بودن مصاحبه‌ها رعایت گردید.

جدول ۱. توصیف مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت کنندگان

شماره	جنسیت	سن (سال)	تحصیلات	شغل	وضعیت حضانت
۱	زن	۳۶	دیپلم	کار در منزل	سرپرست
۲	زن	۴۷	کارشناسی	پرستار	سرپرست
۳	مرد	۴۵	کارشناسی	فرهنگی	سرپرست
۴	زن	۳۵	سیکل	خانه‌دار	سرپرست
۵	زن	۳۵	دیپلم	خانه‌دار	فاقد حضانت
۶	زن	۴۹	کارشناسی	فرهنگی	سرپرست
۷	زن	۴۰	کارشناسی	خانه‌دار	سرپرست
۸	مرد	۴۷	بی‌سواد	آزاد	سرپرست
۹	زن	۴۸	دیپلم	کار در منزل	سرپرست
۱۰	مرد	۳۵	کارشناسی	افسر انتظامی	سرپرست
۱۱	زن	۳۸	سیکل	کار در منزل	سرپرست
۱۲	زن	۴۲	سیکل	خانه‌دار	سرپرست
۱۳	زن	۴۰	بی‌سواد	خانه‌دار	یک سال سرپرست

یافته‌ها

میانگین سنی ۱۳ مشارکت کننده زن و مرد، ۳۸ سال بود. سایر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ها در جدول ۱ ارائه شده است.

تحلیل تجارب مشارکت کنندگان منجر به شناسایی ۷۶۶ کد اولیه گردید. واحدهای معانی فرموله‌بندی و بر اساس شباهت معنایی طبقه‌بندی گردید و ۳۰ زیرمضمون ایجاد شد. بر مبنای ریشه‌گیری نهایی شباهت زیرمضمون‌ها، ۱۰ مضمون اصلی به دست آمد. مضمون‌های اصلی این پژوهش شامل «رابطه والدین، نیازهای فردی والد، شبکه حمایتی، نگرش و هیجانات والد، پاسخگویی، نظارت و چالش‌های والد، پختگی والد- فرزند و آسیب روانی والد- فرزند در فرزندپروری» بود.

رابطه والدین در فرزندپروری: چگونگی مشارکت والدین، همکاری و اعتبار دادن به یکدیگر و مشارکت در روند ملاقات، از جمله زیرمضمون‌هایی بود که در این بخش آشکار گردید. در زیرمضمون مشارکت والدین مواردی همچون هماهنگی در شیوه تعامل با فرزند، بی‌تفاوتی والدین به فرزندپروری، غیبت یکی از والدین و عدم تمایل به شرکت در فرزندپروری از مهم‌ترین موارد مطرح شده بود. «من مطمئن هستم اگر پدرش را مدرسه بخواند نمی‌داند که پسرش متولد چه سالی، چه کلاسی هست...» (مشارکت کننده ۱). بدگویی نکردن والدین از یکدیگر در حضور فرزند نیز از مواردی بود که والدین به آن اشاره داشتند. مشارکت کننده‌ای گفت: «شوهر سابقم بهشون گفته من مهریه گرفتم. بچه‌ها می‌گن تو تمام پول‌های بابارو گرفتی... باباشون این طوری کرده توی مغزشان...» (مشارکت کننده ۵). تسهیل یا مانع‌تراشی در روند ملاقات فرزند نیز از مواردی بود که مشارکت کنندگان مطرح کردند. در حالی که برخی از والدین در امر ملاقات والد دیگر با فرزند مانع‌تراشی می‌کنند، برخی از والدین خود نیز در امر ملاقات بهانه‌تراشی نموده، از ملاقات فرزند خود سر باز می‌زنند. مشارکت کننده ۱۱ بیان کرد: «خب بچه‌ها خیلی دوست داشتند ببینندش... من حسام را فرستادم، ولی دو ساعت بعد پس فرستادش و گفت نمی‌خوام به من وابسته بشوند... اینا بهانه است، من اصلاً قبول ندارم».

نیازهای فردی والد در فرزندپروری: در این مضمون دو زیرمضمون نیازهای عاطفی و مالی- شغلی والد مطرح شد. نیاز به ازدواج، داشتن روابط

عاطفی، استقلال در روابط میان فردی و احترام از سوی مشارکت کنندگان طرح گردید. نیازهای مالی و داشتن شغل نیز از دیگر مواردی است که والد به نوعی با آن دست به گریبان می‌باشد. مشارکت کننده ۲ اظهار نمود: «بچه‌ها می‌گویند اصلاً به ازدواج فکر نکن. خب من هم یک زن هستم و بالاخره نیاز به محبت و حمایت یک نفر دیگه دارم... نمی‌تواند این را درک کنند».

شبکه حمایتی والد در فرزندپروری: این مضمون در برگزیده مواردی همچون فامیل، مدرسه، سیستم مشاوره و خدمات روان‌شناختی و حمایت‌های شغلی می‌باشد. اطرافیان والد واکنش‌های متنوعی را نشان می‌دهند که از طرد تا پشتیبانی و مشارکت در فرزندپروری گسترده است. مشارکت کننده ۱۲ عنوان کرد: «همه دغدغه من، برادر و خواهر و والدینم این دختر شده... خانواده پدری‌اش کمکی نمی‌کنند». مدرسه نیز با توجه به ارتباط والد با مربیان و توصیه‌های ارائه شده از سوی آن‌ها، جایگاه ویژه‌ای در شبکه حمایتی والد دارد. مشارکت کننده ۱۱ گفت: «بعد هم با مدیر مدرسه صحبت کردم و جریان را گفتم. با اون پسر هم برخورد کردیم». مداخلات روان‌شناختی از جایگاه ویژه‌ای در میان مشارکت کنندگان برخوردار بود. مشارکت کنندگان ۱۳، ۸، ۷، ۵ و ۴ همگی در مورد اهمیت مشاوره صحبت کردند. مجموع این صحبت‌ها در قالب خلأ ناشی از فقدان آموزش‌های لازم در زمینه فرزندپروری پس از طلاق، نیاز به وجود چنین آموزش‌هایی، استفاده از مداخلات روان‌شناختی و آموزش‌های موجود در فضای مجازی دسته‌بندی شد. مشارکت کننده ۸ بیان نمود: «خود من می‌گم نیاز به مشاوره الزامیه... من سواد کافی توی تربیت بچه ندارم، بعد طلاق که دیگه هیچ چی نمی‌دونم؛ البته هنوز دنبال مشاور نرفتم، ولی می‌دونم نیاز هست و پیگیرم». نیاز به حمایت‌های شغلی و انعطاف‌پذیری شرایط کاری نیز مطرح گردید. یک پدر مشارکت کننده گفت: «کمبود وقت هست... باید یه تسهیلاتی برای تک والداها باشه، باید شرایط جدید ما در کار در نظر گرفته بشه... برای مرخصی دادن یا شیفت کاری باید تجدید نظر بشه» (مشارکت کننده ۱۰).

نگرش والد در فرزندپروری: نگرش والدین به فرزندپروری پس از طلاق در دو زیرمضمون نگرش منفی و نگرش مثبت طبقه‌بندی گردید. نگرش منفی والدین اغلب با عباراتی مانند وزنه سنگین، فعالیتی انرژی‌بر و دست و پاگیر بیان شد. در مقابل، والدین دارای نگرش مثبت به فرزندپروری، آن را فعالیتی

کاهش دهنده تنش، فرصتی جدید و رشد دهنده می‌دانستند. مشارکت کننده ۱۰ بیان کرد: «نگهداری بچه بدون مادر کار سختی هست... ولی شاید بچه‌داری تلخی طلاق و تنش‌ها را هم کم می‌کنه؛ یعنی هم سخته و هم شیرین...».

هیجان‌ات والد در فرزندپروری: دو زیرمضمون هیجان‌ات منفی و مثبت تشکیل دهنده این مضمون می‌باشد. به طور کلی، هیجان‌ات طیف گسترده‌ای را در جریان فرزندپروری پس از طلاق دارد و اغلب والدین با هیجان‌ات متنوعی مانند خشم، احساس گناه، اندوه، احساس کلافگی، درماندگی و همچنین، هیجان‌ات مثبتی همچون آرامش، امیدواری و خوش‌بینی روبه‌رو هستند. «کار اصلی تربیت با منه و من را گاهی درمانده می‌کنه. فشار تربیت بچه‌ها روی منه... حس کلافگی اذیت می‌کنه» (مشارکت کننده ۴).

پاسخگویی در فرزندپروری: مشارکت کنندگان به نحوه گذراندن اوقات مشترک خود با فرزند، ارتباط کلامی با او و پاسخگویی هیجانی اشاره نمودند. مشارکت کننده ۷ اظهار داشت: «مسایل مالی باعث می‌شه دست من بیشتر بسته بشه... نمی‌تونم بذارم کلاس فوق برنامه... ببینید کی می‌خواد باهاش بازی کنه یا براش وقت بذاره... من که خودم یه سر دارم با هزار سودا...». مشارکت کننده ۶ در مورد برنامه‌ریزی برای فراغت فرزندان می‌گوید: «من و همسرم سعی داشتیم شادی و عادی بودن را داخل زندگی بچه‌ها حفظ کنیم... برنامه‌ریزی برای دیدن فیلم‌های روز از کارهای تفریحی بود یا پدرشون خیلی سفر کاری می‌رفت، بچه‌ها را با خودش می‌برد سفر...».

نظارت در فرزندپروری: همسو با مضمون پاسخگویی در فرایند فرزندپروری، یکی دیگر از مضامین به دست آمده، مضمون نظارت در فرایند فرزندپروری بود که با زیرمضمون‌های نظارت بر روابط فرزند، امور تحصیلی و امور تربیتی و اعتقادی مشخص گردید. مشارکت کننده ۱۰ به نظارت مستقیم خود بر امور تربیتی دخترش اشاره می‌کند: «به زبون خودش می‌گم نباید این کار را بکنه. کمک نمی‌زنم، ولی زود بهش می‌گم نه که بدونه اشتباهه. نمی‌خوام هرج و مرجی بار بیاد که پس فردا بگن مادر نداشته ادبش کنه». در حالی که برخی والدین تأکید بیشتری بر کنترل رفت و آمد فرزند خود دارند: «مدتی که بیرون هست من مرتب زنگ می‌زنم و می‌پرسم کجایی با کی هستی... اسم من را گذاشته برج مراقبت...» (مشارکت کننده ۱۲).

چالش‌های والد در فرزندپروری: مشارکت کنندگان به موارد چالش برانگیزی اشاره کردند که در زیرمضمون‌های تک والدی بودن، جنسیت والد-فرزند، دوران نوجوانی، ازدواج والد، ازدواج، اشتغال، ویژگی‌های سنی و شخصیتی فرزند دسته‌بندی شد. مشارکت کننده ۸ گفت: «من ازدواج مجدد کردم... پسر و زنم با هم نمی‌سازند». مشارکت کننده ۶ نیز بیان کرد: «ما در دوره نوجوانی بچه‌ها جدا شدیم... مدیریت سه تا دختر نوجوان سخت بود». مادر مشارکت کننده‌ای نیز از تأثیرگذاری جنسیت خود بر نظارت فرزند پسرش می‌گوید: «من یک خانم هستم، نمی‌تونم ببینم با کی هست و نیست... خیلی سخته... این دغدغه من شده» (مشارکت کننده ۱).

پختگی والد-فرزند در فرزندپروری: مشارکت کنندگان به وقوع پختگی در فرزندان و خودشان در فرایند فرزندپروری پس از طلاق اشاره نمودند. تعدادی از والدین به تغییرات مثبت سبک زندگی، تغییر نگاهشان به دوران رشد و هدفمند شدن در زندگی اشاره کردند. مشارکت کنندگان ۸، ۶، ۲، ۱ و ۹ در این زمینه اظهاراتی داشتند. مشارکت کننده ۲ چنین گفت: «بعد طلاق رفتم سرکار و

مستقل شدم. بعد از مدت‌ها گواهی‌نامه گرفتم. بچه‌ها خیلی تشویق کردند که رانندگی کنم... بچه‌ها از زندگی الآن راضی‌اند». مشارکت کننده ۶ اظهار نمود: «حتی به رشد من و دیدگاه من کمک کرد این چالش... به نظرم باعث شد عمیق‌تر به مسایل نوجوانان نگاه کنم».

آسیب روانی والد-فرزند در فرزندپروری: آسیب‌های روان‌شناختی و ارتباطی در دو زیرمضمون آسیب‌های روانی فرزند و تنش‌های ارتباطی والد-فرزند طبقه‌بندی شد. اضطراب، بی‌اختیاری ادرار، پرخاشگری در مدرسه، گوشه‌گیری و انزوایی از جمله مشکلات رفتاری بود که والدین مشارکت کنندگان ۱۲، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۳ و ۱۳ به آن اشاره داشتند. متهم‌سازی والد از سوی فرزند، پرخاشگری والد-فرزند و تحکم فرزند به والد از جمله آسیب‌های ارتباطی والد-فرزند بود که مشارکت کنندگان به آن اذعان نمودند. مشارکت کننده ۱۲ گفت: «با تحکم می‌گه برای من صبحانه بپاز... وقتی بهش معترض می‌شم که چه طرز برخورد هست، می‌گه دوست دارم».

بحث و نتیجه‌گیری

چگونگی رابطه والدین با یکدیگر و نیازهای فردی آنان پس از طلاق در تعامل با شبکه حمایتی والدین، نگرش والد به فرزندپروری پس از طلاق را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در عین حال می‌تواند فرزندپروری را از فعالیتی خوشایند و برانگیزاننده هیجان‌ات مثبت، به فعالیتی ناخوشایند و محرک هیجان‌ات منفی تبدیل سازد. شیوه پاسخگویی و نظارت والدین نسبت به فرزندان نیز وابسته به نگرش و هیجان‌ات والد نسبت به فرزندپروری است. والدین ایرانی در توصیف تجربه خود از فرزندپروری پس از طلاق به چالش‌هایی همچون دوره نوجوانی، تک والدی بودن، ازدواج والد، ازدواج و اشتغال فرزند اشاره کردند. پختگی والد-فرزند در فرایند فرزندپروری از جمله تجارب مثبت و آسیب روانی نمونه‌ای از تجارب منفی بود که والدین به توصیف آن پرداختند.

مشارکت والدین در ملاقات فرزندان، یکی از مضامین فرعی پژوهش بود و با نتایج تحقیقی که با رویکرد کیفی پدیدارشناسی، به بررسی تجربه زیسته پدران از دیدار با فرزندان در مراکز ملاقات پرداخت (۲۵)، همخوانی داشت. در حالی که مضامین فرعی نیازهای عاطفی، مالی و شغلی والد در پژوهش حاضر، در ادبیات پژوهشی موجود کمتر مورد توجه بود.

در برخی مطالعات به اهمیت وجود مداخلات روان‌شناختی برای خانواده‌ها و فرزندان طلاق تأکید شده است (۲۰) که همسو با نتایج این پژوهش‌ها، زیرمضمون حمایت‌های روان‌شناختی و تأکید مشارکت کنندگان بر لزوم وجود این خدمات در تحقیق حاضر به دست آمد. زیرمضمون‌های دیگری همچون شبکه فامیلی و حمایت مدرسه نیز از جمله مفاهیمی است که بسیار کم در ادبیات پژوهشی به آن توجه شده است؛ در حالی که در دیدگاه مشارکت کنندگان پژوهش فعلی به آن اشاره گردید.

یکی دیگر از مضمون‌های اصلی مطالعه حاضر، نگرش والد در فرایند فرزندپروری می‌باشد. پژوهش‌ها نگرش به فرزندپروری را در سبک فرزندپروری و به دنبال آن در پیشرفت تحصیلی فرزندان مؤثر دانستند (۵). همچنین، بر عامل نگرش والدین، پذیرش و عدم پذیرش فرزندپروری و تأثیر آن بر رشد مهارت‌های هم‌دلی در نوجوانان تأکید شده است (۶). مضمون اصلی نگرش والد به فرزندپروری با نتایج گزارش‌های مذکور (۵، ۶) مشابهت داشت.

می‌کنند برخی آسیب‌ها همچون آسیب محسوس مهارت خواندن و درک مطلب کودکان، افزایش اقدام به خودکشی در فرزندان و سایر مشکلات رفتاری، با طلاق و وابستگی به الکل والدین افزایش می‌یابد (۱۹-۱۵)، همسو است. دسترسی بیشتر به مشارکت کنندگان زن در مقایسه با مشارکت کنندگان مرد با توجه به تمایل بیشتر زنان برای در اختیار قرار دادن تجارب و شرکت در مصاحبه، از محدودیت‌های بررسی حاضر بود که می‌تواند نتایج به دست آمده را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین، مشارکت کنندگان از میان مراجعان به مراکز مشاوره انتخاب شدند و از آنجا که اغلب افراد مراجعه کننده به مراکز مشاوره، افرادی درگیر مسایل روان‌شناختی و سازگاری می‌باشند، این امر می‌تواند به نوبه خود نتایج پژوهش را متأثر سازد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، فرزندپروری از دیدگاه مشارکت کنندگان مرد مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌گردد با توجه به مضمون اصلی پختگی والد-فرزند، به بررسی پیامدهای مثبت طلاق بر والدین و فرزندان پرداخته شود. با در نظر داشتن آسیب روانی والد-فرزند، بررسی کیفی و عمیق مشکلات رفتاری فرزندان و همچنین، مسایل ارتباطی والد-فرزند پس از طلاق توصیه می‌شود. با توجه به زیرمضمون حمایت‌های روان‌شناختی، می‌توان از یافته‌های این مطالعه جهت تدوین برنامه‌های مداخله‌ای و آموزشی روان‌شناختی به منظور بهبود کیفیت فرزندپروری پس از طلاق استفاده نمود.

سیاسگزاری

تحقیق حاضر برگرفته از پایان‌نامه مقطع دکتری رشته مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشد. بدین وسیله از کلیه مشارکت کنندگان و دانشگاه شهید چمران اهواز که در انجام این پژوهش همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مضمون هیجانات والد در فرایند فرزندپروری نیز با نتایج یک تحقیق علمی که به هیجانات منفی و مثبت تجربه شده والدین در فرایند فرزندپروری و تحت اسناددهی خود اشاره کرده است (۷)، همخوانی داشت. پژوهشگران به وجود شش بعد در فرزندپروری شامل پذیرش، اقتدار، ساختارمندی، حمایت، تحمیل و تهدید اذعان نمودند (۳) که مضمون اصلی پاسخگویی و نظارت در فرایند فرزندپروری استخراج شده در مطالعه حاضر، با نتایج آن‌ها (۳) همسو بود.

مضمون اصلی چالش‌های والدین در تحقیق حاضر و زیرمضمون شرایط سنی فرزندان، با نتایج مطالعه‌ای که به بررسی تأثیر طلاق بر رفتار کودکان پیش‌دبستانی پرداخت (۳۰)، هماهنگ است. در پژوهش مذکور مشخص گردید که زمینه فرهنگی و طلاق در تعامل با سن پایین کودکان، می‌تواند به عنوان عامل تشدید کننده‌ای در بروز رفتارهای ناسازگارانه کودکان طلاق باشد (۱۰). در بررسی حاضر نیز عامل سن بارها از سوی والدین به عنوان عامل مؤثری در رفتارهای سازگارانه فرزندان مطرح شد. همچنین، پژوهشگران کیفی به وجود چالش‌های روان‌شناختی و قانونی و اقتصادی و اجتماعی پس از طلاق اشاره کردند (۳۰) که با چالش‌های به دست آمده از والدین مشارکت کننده در پژوهش حاضر همسو می‌باشد.

مضمون اصلی پختگی والد-فرزند در تحقیق حاضر با یافته‌های مطالعاتی که به تأثیر دوگانه طلاق بر رشد اخلاقی دانشجویان پرداخته‌اند (۱۱) و همچنین، به تأثیرگذاری طلاق بر یادگیری فرزندان از اشتباهات ارتباطی والدین و تصحیح آن در روابط رمانتیک آینده توسط فرزندان اشاره داشتند (۳۳)، همسو می‌باشد. پختگی و تغییرات هدفمند والدین در جریان فرزندپروری پس از طلاق با نتایج پژوهش‌هایی که به رشد تاب‌آوری و تغییرات مثبت والدین پس از طلاق پرداختند (۲۱)، هماهنگ است.

مضمون اصلی آسیب روانی والد-فرزند با نتایج پژوهش‌هایی که گزارش

References

1. Jansen E, Daniels LA, Nicholson JM. The dynamics of parenting and early feeding-constructs and controversies: a viewpoint. *Early Child Dev Care* 2012; 182(8): 967-81.
2. Besharat MA, Hooshmand SN, Rezazadeh SMR, Gholamali Lavasani M. The moderating role of basic psychological needs satisfaction on the relationship between parenting styles and children's marital satisfaction. *Family Psychology* 2015; 2(1): 15-28. [In Persian].
3. Skinner E, Johnson S, Snyder T. Six dimensions of parenting: A motivational model. *Parenting* 2005; 5(2): 175-235.
4. Einav M. Perceptions about parents' relationship and parenting quality, attachment styles, and young adults' intimate expectations: A cluster analytic approach. *J Psychol* 2014; 148(4): 413-34.
5. Kordi A, Baharudin R. Parenting attitude and style and its effect on children's school achievements. *International Journal of Psychological Studies* 2010; 2(2): 217-22.
6. Arzeen S, Hassan B. Perception of parental acceptance and rejection in emotionally empathic and non-empathic adolescents. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology* 2012; 10(2): 60-9. [In Persian].
7. Chavira V, Lopez SR, Blacher J, Shapiro J. Latina mothers' attributions, emotions, and reactions to the problem behaviors of their children with developmental disabilities. *J Child Psychol Psychiatry* 2000; 41(2): 245-52.
8. Johnson VI. Adult Children of divorce and relationship education: Implications for counselors and counselor educators. *The Family J*. 2010; 19(1): 22-9.
9. Cui M, Fincham FD. The differential effects of parental divorce and marital conflict on young adult romantic relationships. *Pers Relatsh* 2010; 17(3): 331-43.
10. Kelch-Oliver K, Smith CO. Using an evidence-based parenting intervention with African American parents. *The Family J* 2014; 23(1): 26-32.
11. Collin BG. The effects of parental divorce on the moral judgment development of freshman and sophomore college students. *J Divorce Remarriage* 2014; 55(2): 139-44.

12. Strohschein L. Parental divorce and child mental health: Accounting for predisruption differences. *J Divorce Remarriage* 2012; 53(6): 489-502.
13. Uphold-Carrier H, Utz R. Parental divorce among young and adult children: a long-term quantitative analysis of mental health and family solidarity. *J Divorce Remarriage* 2012; 53(4): 247-66.
14. Amato PR, Kane JB. Parents' marital distress, divorce, and remarriage: Links with daughters' early family formation transitions. *J Fam Issues* 2011; 32(8): 1073-103.
15. Arkes J. The temporal effects of divorces and separations on children's academic achievement and problem behavior. *J Divorce Remarriage* 2015; 56(1): 25-42.
16. Du Plooy K, Van Rensburg E. Young adults' perception of coping with parental divorce: a retrospective study. *Journal of Divorce and Remarriage* 2015; 56(6): 490-512.
17. Ebling R, Pruett KD, Pruett MK. "Get Over It": Perspectives on divorce from young children. *Fam Court Rev* 2009; 47(4): 665-81.
18. Haimi M, Lerner A. The Impact of parental separation and divorce on the health status of children, and the ways to improve it. *J Clin Med Genomics* 2016; 4: 137.
19. Thompson RG, Jr., Alonzo D, Hu MC, Hasin DS. The influences of parental divorce and maternal-versus-paternal alcohol abuse on offspring lifetime suicide attempt. *Drug Alcohol Rev* 2017; 36(3): 408-14.
20. Lebow J, Rekart KN. Integrative family therapy for high-conflict divorce with disputes over child custody and visitation. *Fam Process* 2007; 46(1): 79-91.
21. Jamison TB, Coleman M, Ganong LH, Feistman RE. Transitioning to Postdivorce Family Life: A Grounded Theory Investigation of Resilience in Coparenting. *Fam Relat* 2014; 63(3): 411-23.
22. Meggiolaro S, Ongaro F. Non-resident parent-child contact after marital dissolution and parental repartnering: Evidence from Italy. *Demographic Research* 2015; 33(40): 1137-52.
23. Mohi G. Positive outcomes of divorce: A multi-method study on the effects of parental divorce on children. *The University of Central Florida Undergraduate Research Journal* 2015; 7(2): 49-62.
24. Nielsen L. Shared parenting after divorce: A review of shared residential parenting research. *J Divorce Remarriage* 2011; 52(8): 586-609.
25. Buchbinder E. Fathers under scrutiny: Nonresidential fathers' perceptions of visitation centers. *J Divorce Remarriage* 2015; 56(2): 155-69.
26. Troilo J, Coleman M. Full-time, part-time full-time, and part-time fathers: Father Identities following divorce. *Fam Relat* 2012; 61(4): 601-14.
27. Alba-Fisch M. Collaborative divorce: An effort to reduce the damage of divorce. *J Clin Psychol* 2016; 72(5): 444-57.
28. Kalmijn M, Dronkers J. Lean on me? The influence of parental separation and divorce on children's support networks in four European countries. *Journal of Family Research* 2015; 27(10): 22-42.
29. Bastais K, Ponnet K, Van Peer C, Mortelmans D. The parenting styles of divorced fathers and their predictors. *J Soc Pers Relat* 2014; 32(5): 557-79.
30. Saleh RH, Luppici R. Exploring the challenges of divorce on Saudi women. *J Fam Hist* 2017; 42(2): 184-98.
31. Edward KL, Welch T. The extension of Colaizzi's method of phenomenological enquiry. *Contemp Nurse* 2011; 39(2): 163-71.
32. Flick U. An introduction to qualitative research. 4th ed. London, UK: SAGE Publications; 2009. p. 163-71.
33. Flick U, von Kardoff E, Steinke I. A companion to qualitative research. 1st ed. London, UK: SAGE Publications; 2004. p. 184-9.

Parenting after Divorces: A Qualitative Research

Reza Khojasteh-Mehr¹, Masoud Fallahi-Khoshknab², Sara Hajjari³, Mansour Sodani⁴

Original Article

Abstract

Aim and Background: Parenting is one of the hardest tasks of parents and a determining factor in children's psychological health. One of the factors influencing parenting is divorce. The objective of the present study was to examine parents' experience of parenting after divorce.

Methods and Materials: This qualitative study was conducted using descriptive phenomenology method. The statistical population in this study included men and women who had experienced parenting after divorce. The participants were 13 men and women who were chosen from among the clients of consultation centers using purposive sampling with maximum variation. They were invited for in-depth and exploratory interviews. Data were analyzed using seven-stage Colaizzi method.

Findings: The analysis of these experiences led to the identification of the 10 major themes of parents' relationship, parent's individual needs, parent's support network after divorce, parent's attitude, emotions, and challenges, parent's responsibility and supervision, parent-child maturity, and parent-child psychological damage in the parenting process.

Conclusions: Parents describe parenting after divorce as a challenging task. The nature of the parents' relationship, and their individual needs and support sources after divorce can influence their attitude and emotions towards parenting. Psychological damage, growth, and maturity are among the parents' experiences during the parenting process after divorce.

Keywords: Parenting, Divorce, Qualitative research

Citation: Khojasteh-Mehr R, Fallahi-Khoshknab M, Hajjari S, Sodani M. **Parenting after Divorces: A Qualitative Research.** J Res Behav Sci 2017; 15(2): 239-45.

Received: 01.05.2017

Accepted: 29.06.2017

1- Professor, Department of Counseling, School of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

2- Associate Professor, Department of Nursing, University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Tehran, Iran

3- PhD Student, Department of Counseling, School of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

4- Associate Professor, Department of Counseling, School of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Corresponding Author: Reza Khojasteh-Mehr, Email: khojasteh_r@scu.ac.ir